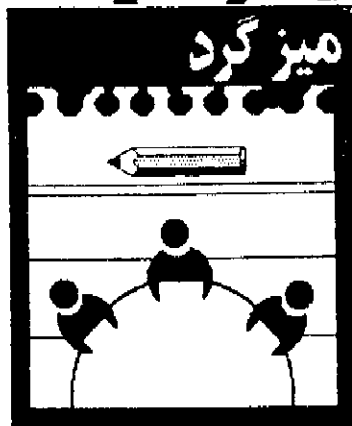


میزگرد



از: جهانگیر بلوچ

کشور ما، هرگز به اندازه امروز  
نیازمند اینگونه بحث و بررسی‌ها  
نبوده است!

# خصوصی سازی

## خروج از بن بست صنعت و اقتصاد یا بن بست دیگر؟!

اکنون چندی است که در محافل اقتصادی و در میان مدیران شرکتهای تولیدی و خدماتی، بحث از مقوله «آزادسازی» و «خصوصی سازی» به طور جدی به میان آمده و مورد توجه و تجزیه و تحلیل صاحب نظران و مجامع صنعتی و اقتصادی قرار گرفته است.

باید دانست که این مقوله مربوط به ایران یا چند کشور محدود و دارای شرایط خاصی نیست، بلکه از اوایل دهه هشتاد، این مقوله تقریباً در تمام جهان آزاد مطرح بود و در سالهای اخیر، پس از فروپاشی نظام بسته کمونیسم، کشورهای به اصطلاح پشت پرده آهنگین نیز به سوی این مقولات گام برداشته اند.

مفهوم آزادسازی به طور خلاصه این است که تکلیف روند اقتصادی و تعیین قیمت کالاها و خدمات به سیستم عرضه و تقاضا سپرده شود، تا هرکس بهتر می سازد و ارزان تر می فروشد، بازار مصرف را به چنگ آورد و عرضه رقابت‌ها را نیز بازتر و گشاده تر سازد.

معنای خصوصی سازی نیز آن است که دولت، شرکتهای و مؤسسات دولتی را که خود، به دلایل گوناگون قادر به اداره مقرون به صرفه آن نیست، به بخش خصوصی بسپارد. زیرا که همواره صاحب نظران گفته اند که دولت نه تاجر است، نه صنعتگر موفق.

از سالهای پس از پایان جنگ تحمیلی، کشور ما نیز به سوی این مقصود گام برداشته و کوشیده است تا زمینه را برای واگذاری شرکتهای سازمانهای بخش دولتی به بخش خصوصی هموار کند.

طبیعی است که در این زمینه، مسائل و مشکلاتی پیش خواهد آمد که قطعاً بایستی با نظرخواهی افراه صاحب نظر و مجرب، برای آن چاره جویی کرد.

محلّه گزارش، بدین لحاظ، میزگردی با شرکت گروهی از افراد صاحب نظر و مدیران صنایع کشور ترتیب داده، که حاصل آن را ذیلاً ملاحظه می فرمایید.

شرکت کنندگان در این میزگرد عبارتند از:

- ۱- دکتر علی محمد بنکدارپور، کارشناس امور اقتصادی.
- ۲- دکتر مرتضی بهشتی، مشاور و کارشناس انجمن مدیران صنایع.
- ۳- مهندس محمد تقی توکلی مدیر عامل شرکت کبریت بیست و نهم بهمن.
- ۴- مهندس سیدحسین سلیمی، عضو هیأت نمایندگی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن.
- ۵- مهندس قانع بصیری، مشاور تکنولوژی و ارتباطات صنایع.

نخستین پرسش طرح شده در این میزگرد که در واقع در بردارنده کلیات اساسی بحث مورد نظر است، از سوی مجله، چنین مطرح شد:

«ایا «خصوصی سازی» را می توانیم همراه «قانون حفاظت» به اجرا بگذاریم آیا می توانیم این مسأله را با قانون مالیات ها، قانون کار، قانون تامین اجتماعی، مقررات بانکی یا نظایر آن هماهنگ سازیم؟»

## ● بخش خصوصی یا پولدارها و سرمایه‌دارها!

□ دکتر علی محمد بنکدارپور: قبل از هر چیز باید بدانیم که بیش از هشتاد درصد صنایع ما در دست دولت و به وسیله سازمان‌ها و نهادهای دولتی یا وابسته به دولت اداره می‌شود. ولی حالا، در آغاز کار «خصوصی سازی»، در واقع باید گفت «سنگ بزرگ» را برداشته‌ایم و تصمیم گرفته‌ایم حتی راه‌آهن را به بخش خصوصی واگذار کنیم. در حالی که راه‌آهن در زمره «صنایع مادر» محسوب می‌شود و جز در آمریکا آن هم به دلایل زیادی، در هیچ کشور دیگری تاکنون، آن را به بخش خصوصی نداده‌اند. صنایع مشابه دیگری هم هستند که آنها را هم جزء «صنایع زیربنایی» می‌دانند و اینها نیز همیشه و در همه جا به وسیله دولت‌ها ساخته و پرداخته شده و «مدیریت» آن‌ها را هم دولت‌ها به عهده داشته‌اند؛ زیرا در بسیاری از کشورها بویژه در کشورهای در حال توسعه، «بخش خصوصی‌ای» که بتواند برای این صنایع پرهزینه و پرکار «سرمایه‌گذاری» کند دیده نمی‌شود و من نمی‌دانم در ایران، کدام «بخش خصوصی» و با کدام «سرمایه‌گذاری» می‌تواند این صنایع بزرگ و زیربنایی را به دست گیرد و اداره کند؟ من تصور می‌کنم که «بخش خصوصی» را با آن‌هایی که «پول» دارند، اشتباه گرفته‌ایم! چون در بسیاری از مواقع تصور می‌کنیم بخش خصوصی یعنی آن گروهی که «پول دارد» و «سرمایه‌دار» هستند، در صورتی که در خارج از دستگاه‌های دولتی، هرکسی که «فکر» دارد، «ایده» دارد، و با مسائل صنعت و کشاورزی و نظایر آن آشنایی دارد، می‌تواند به «خصوصی سازی» کمک کند. ما، به هیچوجه این مسأله را رد نمی‌کنیم و کوچک‌ترین شک و شبهه‌ی هم نداریم که «پول» هم جزء ابزار کار، یا شاید هم در زمره عمده‌ترین عوامل کار، هست؛ اما گردانندگان و کارگزاران اصلی، در بخش خصوصی، آن‌هایی هستند که فکر و ایده دارند، ذوق و سلیقه و ابتکار و خلاقیت و «مدیریت» دارند، از سوی دیگر می‌بینیم اکثر مؤسسات دولتی یا غیردولتی در قالب بخش خصوصی به حساب آمده‌اند و من نمی‌دانم با این مقررات دست و پا گیری کس وجود دارد، چگونه می‌تواند واحدها، کارخانجات و صنایع زیرمجموعه خود را به بخش خصوصی واگذار کنند و «خصوصی سازی» را ترویج دهند؟

## ● ۸۰ درصد اقتصاد، در انحصار دولت!

□ مهندس سید حسین سلیمی: خصوصی سازی را در این جهت می‌بینیم که «کفه ترازوی

## هرکس و در هر مقام و موقعیتی که هستید، از مطالعه دقیق مسائل و مطالب مطرح شده در این میزگرد، بی‌نیاز نیستید!



● جلسه میزگرد «خصوصی سازی» از چپ به راست: مهندس محسن قانع بصیری، دکتر علی محمد بنکدارپور، دکتر مرتضی بهشتی، مهندس تقی کبریت‌ساز توکلی، مهندس سیدحسین سلیمی و نویسنده مجله گزارش...

## صاحب‌نظران و مدیران صنعت کشور، مسائل و مشکلات «خصوصی سازی» و راه حل‌های آن را، از ابعاد مختلف بررسی کرده‌اند که حاصل آن را در این میزگرد می‌خوانید...

آن‌ها را به بخش خصوصی بپارند.

### ● اصل، باید احترام به شعور و تشخیص مردم باشد...

□ دکتر مرتضی بهشتی: بحث فعلی ما در «کلیات» «خصوصی سازی» است، تا با اصول فلسفه و در واقع با فرهنگ آن آشنا شویم. چون خصوصی سازی فرهنگ و فلسفه خود را دارد و بر آن اساس یک نظام اجتماعی ایجاد می‌شود، باید ببینیم تاکنون چقدر در این زمینه کار کرده‌ایم. در همین جا باید بگویم که متأسفانه در طول تاریخ، جامعه ما، وضع تثبیت شده‌ی در این زمینه نداشته است، چرا که مهمترین فلسفه خصوصی سازی احترام به مردم و خواسته‌های آنها از سوی دولت‌ها است.

دولتی» را کاهش بدهیم به طرف «کفه خصوصی سازی» تا آن را سنگین تر کنیم. ولی وقتی که هشتاد درصد کل اقتصاد ما را «دولت» در انحصار گرفته، باید متوجه باشیم که چنین وزنه سنگینی را به هیچوجه نمی‌توانیم به کفه خصوصی سازی منتقل کنیم. ولی چنین قدرتی را هم نداریم که آن را به سادگی به خصوصی سازی تبدیل کنیم. ما حتی اگر بتوانیم درصد کوچکی از این سیستم را پیاده کنیم باز هم موفق بوده‌ایم. این است که بحث خصوصی کردن راه‌آهن - ذوب‌آهن یا صنایع پتروشیمی را باید در آخرین مراحل «خصوصی سازی» مطرح کنیم؛ چون هم اکنون بسیاری از صنایع خرد و کوچک هستند که با تمام علاقه‌ی که دولت دارد و امکاناتی که به این کار اختصاص داده است هنوز نتوانسته‌اند



در نظام مبتنی بر بازار، تولیدکننده تمامی توان خود را به کار می‌گیرد تا بهترین کالا را با بهترین کیفیت و با ارزانترین قیمت به مصرف‌کننده تحویل دهد و احترام به چنین نظامی در واقع احترام به مردم و ابتکارات آنان است.

مردم اگر می‌توانند از خاک پول درآورند، با تکنولوژی ایجاد کنند و دست به اختراع و اکتشاف بزنند، قانونی نیز باید وجود داشته باشد تا از ابتکارات آنان حمایت کند و حافظ دستاوردهای آنان باشد. در واقع احترام به شعور و تشخیص مردم باید اصل باشد، چرا که مردم عاقلند و کاری را انجام می‌دهند که ضمن برآورد منافع خود، مصالح جامعه را هم حفظ کنند. متأسفانه در طول تاریخ به چنین فرهنگی اعتقاد نداشته‌ایم. این بی‌اعتنایی، چه پیش از انقلاب مشروطیت و چه پس از آن، وجود داشته است. در آن روزگاران کسانی که در رأس امور قرار می‌گرفتند، خودشان را بالاتر از مردم به حساب می‌آوردند، به آنچه که خودشان درست تشخیص می‌دادند عمل می‌کردند، و هیچگاه نمی‌خواستند مسائل را با جامعه در میان بگذارند و از خود جامعه بهره بگیرند.

اما امروز اوضاع به گونه دیگری است. برای نخستین بار بحث خصوصی‌سازی به صورت جامع آن، در جامعه مطرح می‌شود و به همین دلیل باید به مفهوم واقعی کلمه، آن را بشناسیم و مفاهیم آن را برای افراد جامعه توضیح دهیم. همدلی به وجود آوریم و به این طرز تفکر برسیم که خصوصی‌سازی یعنی احترام به مردم و تشخیص و انتخاب آنان.

وقتی مردم به حقوقشان آگاه شدند، آنگاه دولت که منبعث از مردم است، در جهت رضایت آنان گام بر می‌دارد و تابع نظرات آنان هم می‌شود. چنین وضعی هیچگاه در جامعه ما وجود نداشته است، دولت‌ها تمامی منابع تولید ثروت مثل نفت، آب، برق، راه، کشتیرانی، هواپیمایی و امثال آن را خودشان به دست گرفته‌اند.

وقتی به سابقه «ثروت‌سندشدن» کشورهای صنعتی توجه می‌کنیم، می‌بینیم بسیاری از آن کشورها قبل از هر چیزی «خودشان» را استثمار کرده‌اند تا بتوانند جامعه را به ثروت برسانند. در دوران انقلاب صنعتی اروپا، یک کودک ده ساله، روزی ۱۲ ساعت کار می‌کرده و عمر متوسط کارگران هم ۲۵ سال بوده است. کارگران معادن، فقط قوت لایموتی نصیبشان می‌شد و در تمام عمر هم با فقر و فاقه و

● **دکتر بنکدارپور: بخش خصوصی را با آن‌هایی که پول دارند، اشتباه گرفته ایم در صورتی که هرکسی که «فکر» دارد، «ایده» دارد و با مسائل صنعت و کشاورزی آشنایی دارد، می‌تواند به خصوصی‌سازی کمک کند...**

● **تا وقتی که امنیت سرمایه‌گذاری تضمین نشود، هیچ سرمایه‌دار ایرانی نمی‌تواند به کشورش بازگردد و به سرمایه‌گذاری بپردازد...**



تنگدستی و فقدان بهداشت و آموزش و پرورش روبرو بوده‌اند، و چه بسا بسیاری از آنان در همان کانالهای زیرزمینی معادن نیز دفن می‌شدند. این کار استثمار نام گرفته است، استثمار مردم از مردم، استثمار انگلیسی از انگلیسی، فرانسوی از فرانسوی و...

و بالاخره به مرحله‌ای می‌رسیم که ایجاد تکنولوژی برای کسب ثروت بیشتر جانشین اوضاع گذشته می‌شود. در چنین مرحله‌ای نقش مردم بسیار حساس می‌گردد. مردم هستند که تکنولوژی را ایجاد می‌کنند و برای کشور خود ثروت و رفاه و پیشرفت به وجود می‌آورند. به همین سبب نقش مردم روز به روز بیشتر مشهور می‌شود. از آن زمان حکومتها الزاماً به این نتیجه رسیدند که تنها مردم هستند که با تحقیق و نوآوری و ایجاد تکنولوژی‌های جدید، برای سرزمین خود ثروت و رفاه ایجاد

می‌کنند.

اما اوضاع در کشور ما به گونه دیگری بوده است. امروز و در شرایط فعلی لازم است ابتدا ببینیم در چه مرحله‌ای از تحول هستیم، تا براساس آن «خصوصی‌سازی» را درست طراحی کنیم. تا پیش از انقلاب بیش از ۶۰ درصد ارزش افزوده صنعت در دست دولت بود که حالا به ۸۰ درصد رسیده است. تفکر ایجاد فعالیت‌های دولتی در امر تولید، در جامعه ما تفکری ریشه‌دار است از این‌رو هیچ‌گاه تمایل ایجاد ثروت به دست مردم، در کشور ما، مفهوم اساسی نداشته و هیچگاه نیامده‌ایم از درآمد نفتمان به دست مردم، ذوب‌آهن ایجاد کنیم و گوییم به کسانی که مجتمع ۵۰ هزار تنی ذوب‌آهن ایجاد کنند مثلاً برای ۵ سال، ۵ میلیاردر تومان کمک بدلا عوض می‌کنیم. ولی در مقابل آمده‌ایم ذوب‌آهن دولتی ایجاد کرده‌ایم و سالی چندین برابر آن را زیان داده‌ایم و نام آن را هم «سرمایه ملی» گذارده‌ایم و این سرمایه ملی مرتب زیان داده و ارزش افزوده منفی داشته است. تنها ذوب‌آهن چنین وضعی نداشته، بلکه هر صنعتی که دولت در آن دخالت کرده یا هر پروژه تولیدی که دولت دست‌اندرکار آن بوده، چنین سرنوشتی داشته است.

● **چرا، چنین شده؟!**

■ **دکتر مرتضی بهشتی:** پاسخ ساده‌ی دار. چون فرهنگ خصوصی‌سازی و احترام به مردم در کشور ما سابقه درخشانی ندارد. به نهنها فرهنگ احترام به سرمایه و ثروت مردم را نداشته‌ایم، بلکه به طور تاریخی سابقه بدی هم از خود به جا گذاشته‌ایم. هر وقت دولتی در کشور ما روی کار آمده، اولین اقدامش مصادره اموال اطرافیان دولت قبلی بوده و این کار تا به آنجا پیش رفته که به صورت یک فلسفه و پیش همگانی درآمده است.

دور و تسلسل چنین پیشی، در جای جای تاریخ ما، به چشم می‌خورد. حالا در چنین جامعه‌ای با پیشینه‌ی که مختصراً توضیح دادم، وقتی مسائلی خصوصی‌سازی مطرح می‌شود، اولین وظیفه ما کار فرهنگی و تبلیغاتی است، تا جامعه را برای درک خصوصی‌سازی به مفهوم واقعی آن آماده کنیم. ما وقتی بتوانیم نقش مردم را به آنان بشناسیم و فرهنگ خصوصی‌سازی را در جامعه جا بسپاریم، آن وقت بستری مناسب پدید می‌آوریم که بخشهای دیگرمان در آن مفهوم پیدا می‌کند.

■ **گزارش:** اجازه بدهید قبل از این که به سایر مسائل «خصوصی‌سازی» بپردازیم، ببینیم که پیدایش این سیستم و سیر تاریخی آن چه گونه بوده است. تردید نیست که

«بخش خصوصی» از دورترین روزهای تاریخ، از روزی که جریان «ماده کالایا با کالا» پیدا شد، در تمامی نقاط جهان وجود داشته و به صنعت و تجارت یا کسب و کار پرداخته است. اما روزهایی رسید که ناگهان «ماشینریز» پیدا شد و «اتوماسیون» در اروپا پایه عرصه وجود نهاد و به موازات آن «بخش خصوصی» به شکل دیگری در عرصه صنعت و تجارت «عرش» وجود کرد. بنابراین «سؤال» این است که این «خصوصی سازی» مدرن و ماشینی، از چه تاریخی پیدا شده و چگونه به مین ما نفوذ و سرایت کرده است؟

### ● در امر خصوصی کردن، نباید عجله کنیم، اما...

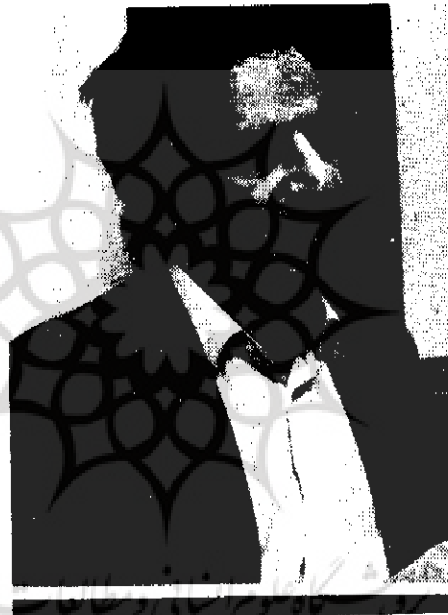
■ **مهندس توکلی:** سینید، ما «رمان» و «فرست» نداریم؛ پس باید برای رسیدن به هدف به سرعت کارها را پیش ببریم که یکی از آن کارها هم مسائل فرهنگی و طریقه عملی کردن آن است. اما آنچه که «بخش خصوصی» برایش سرمایه گذاری کند و برای منکعت هم «لازم» باشد در صورتی که دچار مشکلات مائی شود، انجام آن باید الزاماً توسط «دولت» صورت گیرد و هر روزی هم که این کارخانجات به سوددهی رسیدند و بخش خصوصی به آنها علاقه پیدا کرد، دولت آنها را واگذار کند.

من در این راستا، پیش از سی کارخانه به وجود آورده ام. از آلومینیوم اراک که اولین پروژه بود تا ماشین سازی اراک و ایجاد شهر صنعتی تبریز مشارکت حدی داشته ام. حتی در هیأت اعزام به مسکو برای احداث دوب آهن ایران نقش بسیار مهمی داشتم. باید به صراحت بگویم که بخش خصوصی در آن روزها توان وارد شدن در مسائل تکنولوژی با ذوق و سلیقه احداث این کارها را نداشت. در نتیجه بخش دولتی «مجبور» بود که آنها را انجام دهد.

این را هم فراموش نکنیم که دول غربی در آن روزها، به هیچوجه حاضر نبودند که ذوب آهن و تکنولوژی آن را به ما بدهند. بنده فقط به عنوان یک فرد صنعتی باید از دول ترقی تشکر کنم که این تکنولوژی را به ما دادند. بعد هم سؤال کردند با توجه به اینکه تکنولوژی دائماً در حال تغییر و تکامل است، این هزینه‌هایی که امروز انجام می‌شود چند سال بعد چه خواهد شد؟ گفتیم در این مدت مدرسه می‌سازیم، دانشگاه می‌سازیم، کارخانه بعد چه خواهد بود؟ گفتیم در این مدت مدرسه می‌سازیم، وقتی که فهم و شعور اجتماعی بالا رفت و متخصص مورد نیاز تربیت شد، آن وقت می‌تواند تغییر تکنیک و تکنولوژی بدهند. و این هزینه‌ها و سرمایه‌های اولیه را در جهت تغییر و تکامل پیش برند لذا این

● **دکتر بهشتی: واحدی را که ۲۷ میلیون تومان زیان ویژه دارد می‌گویند یک میلیارد و دوست میلیون تومان می‌فروشیم، این بازی‌ها مسائلی را پدید می‌آورد که حل آن‌ها برای راه‌اندازی خصوصی سازی آسان نخواهد بود...**

● **آنچه را که سالی چندین برابر آن زیان داده‌ایم و ارزش افزوده منفی داشته است نام «سرمایه ملی» برای آن گذارده‌ایم!**



مسائلی نبود که ما را به «دولت» و برنامه‌ریزی‌های دولتی وابسته کند. درآمد ما از نفت است و متعلق به دولت و دولت هم نماینده ملت است. بنده اعتقاد ندارم که با عجله به سوی خصوصی کردن صنایع بتازیم. اگر در گذشته سیاست‌های ما نقاط صنعتی داشت، که داشت نباید آن را تغییر بدهیم، چون باید از گذشته پند بگیریم. یک روزی در وزارت اقتصاد بنده بودیم. گفته شد که هنوز در ایران «ثروتمند» نداریم، باید برویم به دنبال «ثروتمند حق» تا بتواند برای مردم ایجاد کار کنند. بعد هم دیدیم که یکی از آن‌ها «بورل خودرو» را پایه گذاشت و دیگری هم جای دیگر را. چون دولت باید بدون عقده به این مسائل بپردازد، مشکل اساسی ما، عقده و کینه هست و به همین دلیل هم بخش خصوصی ما حاضر نیست که به اسم یک

«پول‌دار» وارد صحنه شود.

### ● گزارش: چرا حاضر نیست؟

■ **مهندس توکلی:** چون نینفادت

کمربندی در ۵۰ سال گذشته از او چیزی دیگری ساخته است. بنابراین دلایل مهم‌ترین اقدام باید ایجاد اطمینان برای سرمایه‌گذارانی باشد.

من اطمینان دارم که آقای رئیس جمهور یک شخصیت متحرک و متفکری است. یک آدم شجاع و متهوری است. آدم شجاع هم باید کارهای قاطع انجام بدهد. آن تله‌بی که گروه چپ در اوایل انقلاب، بسیاری از کارها و راه‌ها را به طرف «چپ» سوق دادند، مثل بعضی مصادره کردن‌های کارخانجات و صنایع و نظایر آن‌ها، حالا باید به سوی اصلاح و بازسازی و راه‌اندازی آنها برویم. نباید برگردیم به سوی باورهای اسلامی. البته شک نکنیم که باورهای اسلامی ما با سرمایه‌داری و استعمار آمریکایی پیوند و هماهنگی ندارد. چون سرمایه‌داری ما بر اساس عدالت اجتماعی، اقتصاد اسلامی و فقه اسلامی بنا می‌شود.

همین حالا یکی از عمده‌ترین گرفتاری‌های ما، کارخانجات کوچک و بزرگی است که به برخی از نهادها واگذار شده که در آنجا «مدیریت صنعتی» دیده نمی‌شود و ما با اجرای این واگذارها مدیرانی را از دست می‌دهیم که بیش از پنجاه سال روی آنها سرمایه‌گذاری شده. میلیون‌ها و تریلیون‌ها دلار به مصرف آنها رسیده تا با علم و دانش و با تجربه در عمل «چگونگی مدیریت در صنعت» را آموخته‌اند و حالا داریم این ثروت بزرگ ملی را از دست می‌دهیم چون دارند پیر می‌شوند و از گردونه خارج.

اینها را برگردانید و کارخانجات خودشان را به آنها برگردانید تا با مدیریت خودشان آن‌ها را مجدداً راه‌اندازی کنند و به سوددهی برسانند. ما برای انجام این کارها به قاضی‌های رهبری، برای رهبری سیاست‌های خصوصی سازی، سخت نیازمندیم. در غیراین صورت به جایی نخواهیم رسید.

من به «خصوصی سازی» از دید یک «صنعتگر ایرانی» نگاه می‌کنم چون در یک خانواده صنعتی بزرگ شده‌ام. دقیقاً ۷۵ سال قبل، درست در سال ۱۲۹۷ شمسی، اولین کارخانه‌یی که در ایران احداث شد کارخانه کبریت‌ساز توکلی بود. همین حالا، چند نفر از دست ندرکاران می‌توانند ادعا کنند که نام خانوادگی شان «کبریت توکلی» است! آمدند و همین کارخانه را با ۳۲۰ میلیون تومان ضرر به من تحویل دادند!

### ■ گزارش: در چه تاریخی؟

■ **مهندس توکلی:** تنش ماه قبل و حالا ←



سه ماه است که داریم کار می‌کنیم، به امید این که کارخانه را نجات بدهیم، که داده‌ایم. کارخانه کبریت «بیستم و نهم بهمن» یعنی بزرگ‌ترین کارخانه کبریت خاورمیانه را، با مدیریت غلط و مدیران ناتوان، از بین برده بودند. کبریت «بیست و نهم بهمن» خریدار نداشت، چون در هر جمعه آن ۱۵-۲۰ تا چوب بود که نیمی از آن‌ها هم روشن نمی‌شد. ولی حالا همان کبریت را صادر می‌کنیم. چون همین حالا آن را با بهترین کبریت‌های خاورمیانه مقایسه می‌کنند و می‌خرند و همین مسأله نمایانگر آن است که مدیران و متخصصان ما هم از بهترین‌ها هستند و همین بهترین‌ها برای اجرای سیاست‌های ریاست جمهوری در جهت توسعه خصوصی سازی به قاطعیت مقام معظم رهبری نیاز دارند، تا مشخص شود که این تئوری‌هایی که تا کنون پیاده شده به دست کسانی صورت گرفته که از صنعت و مسائل صنعت دور بوده‌اند. باید، کارخانجات زیان‌ده فعلی را سر و سامان بدهیم. باید مدیران پر تجربه‌ی را، که با سرمایه‌های ملی، به تخصص رسیده‌اند، برگردانیم. و کارخانجات را با دست آنها راه‌اندازی کنیم و به سوددهی برسانیم. آن وقت می‌توانیم برای واگذاری کارخانجاتی نظیر ذوب فلز و مس سرچشمه اقدام کنیم. تا ما نتوانیم توان‌های مالی را در بخش خصوصی امنیت بدهیم، هیچ وقت در اجرای این سیاست هم موفق نخواهیم شد. باید پخ‌ها شکسته شود.

شما درباره لزوم توسعه فرهنگ خصوصی سازی سخن گفتید، من هم موافقم، اگر بخواهیم فقط از این راه وارد شویم به سال‌های زیادی نیاز داریم. در صورتی که هم اکنون جهان صنعتی و تکنولوژی آن قدر با سرعت پیش می‌رود که هر لحظه غفلت ما را یک قرن عقب می‌اندازد.

**■ گزارش:** ولی بسرای همکاری و روشن شدن ذهنیات مردم به ترویج فرهنگ خصوصی سازی هم نیاز داریم.

**■ مهندس توکلی:** صد درصد. برای این که نسل بعدی هم دچار گرفتاری‌های ما نشود. ما نسلی هستیم که فرصت‌های زیادی را از دست داده‌ایم. می‌گویند بیش از نود درصد کارخانجات به دست دولت افتاده و اکثریت مردم ما حقوق‌بگیر دولت یا به کلام دیگر «کارمند دولت» شده‌اند. ما در ده سال آینده حدود ۸۰-۹۰ میلیون جمعیت مصرف‌کننده خواهیم داشت که نمی‌توانیم به این سادگی،

**● مهندس قانع بصیری: مدرنیزم از سوراخ دولت وارد جریان کار شد، بازار به فضای بسته خود رفت، و دولت هم شروع کرد به یک سلسله سرمایه‌گذاری در احداث کارخانجات صنعتی، اما...**

**● در تمام متونی که بعد از سال ۱۳۳۲ منتشر شده هیچ جا نمی‌بینیم که «سرمایه» را با «کار» از ریایی کرده باشند، حتی «کار» آنقدر ضدارزش شده بود که واژه «عمله» یک فحش تلقی می‌شد!**



آنها را تأمین کنیم، پس باید شب و روز به دنبال سازندگی و بازسازی باشیم. همین چند روز قبل بود که در جلسه‌ی با شرکت برخی از مسؤولان و تصمیم‌گیرندگان کشور گفته شد «ما در زمینه سیاست خصوصی سازی، ده سال است که اشتباه کرده‌ایم» پس حالا باید به گونه‌ی عمل کنیم که ده سال دیگر، باز هم نگویند که اشتباه کرده‌ایم.

**● تجربه‌ی از آلمان شرقی**

**■ مهندس سیدحسین سلیمی:** خصوصی سازی یا خصوصی کردن صنایع یک امر فلسفی است که منحصر به ایران هم نبوده، چون در ترکیه و پاکستان و سایر نقاط دیگر دنیا هم مطرح است. فروپاشی نظام اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نشان داد که انتخاب کمونیزم، راه موفقیتی برای توسعه اقتصادی

ممالک و ملت‌ها نخواهد بود. این تجربه خیلی ساده‌ی است برای کشورهایی که زبان چندانی ندیده‌اند، تا از این تجربه هفتادساله شوروی سابق استفاده کنند.

ما هم یکی از آن کشورهایی هستیم که بعد از مدتی بحث خصوصی سازی را مطرح کرده‌ایم و مدافع این طرز تفکر هم هستیم. سیستم خصوصی سازی که در بسیاری از کشورهای دنیا به کارگرفته شده، از دو تجربه گرفته شده است: اول در کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق که با توجه به عملکرد خودشان متوجه شده‌اند که این سیستم در آنجا موفق نبوده و در آینده هم هیچ‌گاه به موفقیت نخواهد رسید و به همین دلیل است که حالا شب و روز روی سیستم خصوصی سازی کار می‌کنند تا شاید اقتصاد خودشان را بر اساس آن رونق بدهند.

و بعد هم کشورهای پیش‌رفته‌ی مثل ژاپن و آلمان که از مدتها قبل خصوصی سازی را در تمامی زمینه‌ها اعمال کرده‌اند و در این کار هم موفق بوده‌اند. در نتیجه سایر کشورها هم که ناظر خصوصی سازی در ژاپن و آلمان بوده‌اند، تدریجاً در این جهت گام برداشته‌اند. ولی خصوصی سازی آن نیست که فقط اعتقاد داشتن به فلسفه‌اش یا کسب فرهنگ آن عملی باشد، چون باید مقتضیات اجرایی آن هم با کسب فرهنگ اعتقادی‌اش به اجرا گذاشته شود. مثلاً اگر شما بحث خصوصی سازی در آلمان شرقی را مطرح کنید که شرکت «تروی‌هن» در مدت دو یا سه سال موفق شده است آن بودجه کلان سیصد میلیارد مارک را به خصوصی سازی اختصاص بدهد و موفق هم بشود، پس این تجربه هم می‌تواند به کشورهای نظیر کشور ما نیز منتقل شود، بدون آنکه برای کسب این تجربه سرمایه‌گذاری کرده باشیم. یا کشورهای دیگری نظیر ترکیه و پاکستان که حالا می‌دانند معایب و نواقص این فلسفه چه بوده و محاسن آن کجاست و بیندیشیم که کدام یک از این تجربه‌ها به فرهنگ ما، به اقتصاد ما و به ساختار مملکتی ما نزدیک‌تر است. آن را به اجرا درآوریم.

این که بحث خصوصی سازی در این مقطع مطرح شده، دلایل آن را همه ما می‌دانیم که دولتی‌کردن و دولتی شدن صنایع تا کنون «موفق» نبوده و شخص رئیس‌جمهور هم به این مسأله توجه داشته‌اند و به فلسفه اجرای آن هم کاملاً اعتقاد دارند. و همه تلاش و کوشش ایشان هم در این جهت است که خصوصی سازی را در کوتاه‌ترین فرصت به موفقیت برسانند. ولی موفقیت در این مسأله نمی‌تواند فقط به اعتقاد و قبول کردن سیستم خصوصی سازی بستگی داشته باشد، بلکه باید نحوه اجرایی آن هم به صورت مختلف، به

صورت تدوین قانون، به صورت انگیزه و تشویق اعمال شود چون ممکن است این خصوصی سازی در کشور ما در مدت صد سال یا مثل آلمان شرقی در کم تر از سه سال، نتیجه بدهد. حالا اگر در مقطعی از تاریخ که کشورهای پیشرفته صنعتی هر روز صنعت خودشان را با سرعت جلو می برند ما بخواهیم با گام های کند و آهسته و به صورت «فرهنگی» عمل کنیم. مدتی فوق العاده طولانی را می طلبد، در حالی که ما باید از هر لحظه و ثانیه از این دوران استفاده کنیم و متوجه باشیم هر روزی را که از دست بدهیم فاصله خودمان را با کشورهای پیشرفته زیادتر کرده ایم. ما بعد از انقلاب بیش از هشت سال از زندگی خود را در جنگ به سر برده ایم که در نتیجه ۷-۸ سال از سایر کشورها عقب افتاده ایم. پس باید ۷-۸ سال آینده را به شکلی کنار کنیم که عقب افتادگی های گذشته را جبران کنیم و این خصوصی سازی را با سرعت بیشتری به انجام برسانیم. پس تردید نیست که ۳۰ در راه کسب و ترویج فرهنگ خصوصی سازی، حتماً باید تلاش گسترده ای بشود. چون حرف و صحبت و نوشتن مقاله در روزنامه ها که نمی تواند ما را به موفقیت برساند. این کار نیاز به اعتقاد، به فلسفه خصوصی سازی دارد. که ما را به نتیجه برساند و همراه با آن سرعت عمل هم لازم است.

### ● مدرنیزم هم از سوراخ دولت وارد کار شد!

■ مهندس قانع بصیری: بحث خصوصی سازی به نظر من یک بحث استراتژیک است، یک بحث بسیار مهمی است. اگر نگاهی به تاریخ رشد بخش خصوصی در ایران بیندازیم، می بینیم که بخش خصوصی در ایران «رشد ابتر» داشته، چرا که ما اقتصادی وابسته به «مواد خام» پیدا کردیم و در نتیجه دولت ثروتمند شد، و به دنبال قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی پیدا کرد که مزید بر علت شد. بویژه بعد از انقلاب مشروطیت و بعد هم کودتای حوت ۱۲۹۹ رضاخان، می بینیم که «داور» و هم فکانش تیز «سرمایه دولتی» را مطرح کردند و به دنبال آن دیدیم که «مدرنیزم» هم از سوراخ دولت وارد جریان کار شد. بازار به فضای بسته خود رفت و دولت شروع کرد به یک سلسله سرمایه گذاری در احداث کارخانجات صنعتی.

با توجه به این که اقتصاد ما هم تدریجاً به «نفت» متکی می شد، جریانی را به وجود آورد که در کنار رشد سرسام آور کارخانجات دولتی، آن هم در بهترین شرایط، بخش خصوصی ما بیشتر از بیست درصد نقش نداشت. ما در خاطرات علم می خوانیم وقتی که با برژنف رو

● مهندس سلیمی: کارخانه بی را احداث کرده ایم ولی بعد هم آن را مشمول بند جیم کرده ایم. حالا برای حل مسأله همان صنعت را بدهند به دست خودمان که پایه گذارش بوده ایم و مطمئن باشند که باز هم آن را به کار خواهیم انداخت...

● جهان صنعتی و تکنولوژی آن قدر با سرعت پیش می رود که هر لحظه غفلت، ما را یک قرن عقب می اندازد...



به رو می شود به او می گوید «شاه ما از شما سوسیالیست تر است چون ما همه چیز را ملی کرده ایم». این بیان و این طرز تفکر همه چیز را آشکار می سازد. ما در تمام متون بعد از سال ۱۳۳۲ بویژه در متون روشنفکری هیچ جا نمی بینیم که «سرمایه» را با «کار» ارزیابی کرده باشند، به همین دلیل هم در تمامی آن دوران «سرمایه» به صورت یک «ضد ارزش» ظاهر شده بود و حتی «کار» هم ضد ارزش شده بود و ادای جمله «عمله» به عنوان یک فحش تلقی می شد.

بنابراین تجسم و فضا خصوصی سازی، بُعدهای مختلفی دارد؛ یکی این که خصوصی سازی یک امر صرفاً اقتصادی است، و بعد هم بُعد سیاسی و بُعد ارزشی و فرهنگی آن.

اما بُعد بسیار مهم خصوصی سازی، به

وضعیت جهانی و جایگاه توسعه ما در این وضعیت، بستگی دارد.

شما اگر به خصوصی سازی، بعد از انقلاب صنعتی و رشد اتوماسیون در کشورهای صنعتی نظری بیفکنید، می بینید ارتباطی که بین کشورهای صنعتی به وجود آمده ارتباط بخش خصوصی با بخش خصوصی است. ولی از همان زمانی که مازکوپولو به عنوان یک فرد «پیام ده سیاسی» وارد جهان سوم می شود، وضع دگرگون می گردد و جریان تازه ای را به حرکت می اندازد. سرمایه داری دولتی و رشد سرمایه گذاری های دولتی در جهان سوم، بویژه آن کشورهایی در جهان سوم که منابع خام قوی داشتند، به این منجر می شود که رابطه دیگری بین کشورهای جهان سوم و جهان صنعتی پدیدار گردد: رابطه دولت و دولت، درست برخلاف رابطه ای که در کشورهای صنعتی بین سرمایه دار صنعتی و سرمایه دار صنعتی بود. دولت ثروتمندی بود که قشر متوسط مصرفی را در این کشورها گسترش می داد و خود سرمایه دار صنعتی هم به قشر متوسط وابسته می شد و تدریجاً رابطه بین سرمایه دار صنعتی با نیروی کشاورزی قطع شد، کشاورزی که ارزش افزوده ایجاد می کند و باید بزرگ ترین مشتری سرمایه دار صنعتی باشد. ولی کسی مشتری صنعت ما شد که قشر متوسط بود و وابسته به «سوسید دولتی» و فقط با دریافت سوسید دولتی هم می توانست قدرت خرید پیدا کند، یعنی سرمایه دار صنعتی ما هم آورده به قشری شد که آن قشر هم قدرت خرید خودش را از طریق سوسید دولتی به دست می آورد.

از سوی دیگر نوع مبادله هم دگرگون شد. اگر سابق براین بین کشورهای صنعتی «مبادله کالا با کالا» صورت می گرفت یا دانش با کالا، یا تکنولوژی با کالا؛ در جهان سوم، بویژه آن کشورهایی که مواد خام قوی تری داشتند مواد خام خود را با کالاهای صنعتی مبادله می کردند. بنابراین بخش خصوصی، بخش «ابتر» بود و این «ابتر» مانند به آنجا کشید که روشنفکرانی هم که در جهان سوم به وجود آمدند، الزاماً به دولت «وابستگی» پیدا کنند. چون اینها از متن و درون بخش خصوصی بیرون نیامده بودند تا بتوانند دید «بخش خصوصی» را ترویج کنند. به همین سبب یک نظام «ضد ارزشی» پدیدار گردید که سرمایه را به صورت یک «ضد ارزش» به نمایش گذاشت.

### ● تا روزی که نفت داشتیم...

بگذارید یک مسأله دیگری را عنوان کنیم: ما تا روزی که نفت داشتیم و خوب هم «فروش» می رفت و در مقابل پول آن، مواد اولیه و کالای ساخته شده وارد می شد، نه





دولت به فکر بخش خصوصی بود و نه بخش خصوصی ما، چنان اکتیوی بود که به این موضوع فکر کند و بتواند یک نوع «تئوری اقتصاد سیاسی» را برای خودش دست و پا کند. اما وقتی که ارزش نبت پایین آمد یا به کلام دیگر، کشورهای صنعتی پیشرفته آن را پایین آوردند، ناگهان دولت‌های جهان سود متوجه شدند که حتی نمی‌تواند این سوسیستی را که به قشر متوسط می‌پرداختند باز هم ادامه بدهند و پرداخت کنند.

از آن طرف هم ضعیف بود که سرمایه‌دار صنعتی ما نتواند مشتری خود را پیدا کند چون همین قشر متوسط «سوسیست» بگیرد. مشتری اصلی او شده بود. بنابراین «خصوصی‌سازی» در شرایطی مطرح می‌شود که بعد از اقتصادی آن روشن است، چرا که در آمد نفتی دولت به تدریج کم می‌شود و نمی‌تواند مثل گذشته، سوسیست قشر متوسط را تعهد کند و در نتیجه

باید در ارتباط خود با بخش خصوصی از مقوله دیگری و با دیدگاه دیگری رویرو بشود و نظام‌های مدیریتی و صنعتی را تصحیح و اصلاح کند. اما این هم کافی نیست، بلکه آن چیزی که لازم و کارساز هست، آموزش «تئوری اقتصاد سیاسی» برای بخش خصوصی بودن است. یعنی بخش خصوصی ما، باید از بخشی باشد که بتواند در رابطه خودش با دولت تجدید نظر کند و دولت هم باید متوجه باشد که با از دست دادن آن نیروی اقتصادی که از درآمد‌های ناشی ما تشکیل شده بود، حالا به دنبال آن است که به منابع‌های حاصل از تولید، انکاء پیدا کند تا از قدرت سیاسی خودش متناسب با این وضع، «تعریف» تازه‌تری داشته باشد.

اگر این «تعریف» صورت نگیرد، اگر از ریشه در بخش خصوصی، شکل‌ها و اجتماعات قدرتمند و مستغنی پیدا نشود و اگر پدیده اقتصادی بخش خصوصی را در ارتباط با پدیده سیاسی ببینیم، خصوصی‌سازی موفق نخواهد شد.

ما در حقیقت زمانی می‌توانیم یک برنامه خصوصی‌سازی را به اجرا بگذاریم که توجه

داشته باشیم بخش خصوصی کشور ما، که به ریسمان دلارهای نفتی ایران بود، هر قانونی را که دولت برای خودش به تصویب می‌رسانید، خیلی ساده می‌پذیرفت چون از محل همان قانون و مقررات درصد کوچکی هم نصیب آن می‌گردید و ما به همین سبب است که باید در تمام قوانین خودمان در ارتباط با بخش خصوصی تجدید نظر کنیم.

ما در این ۱۰ - ۱۲ ساله اخیر و با اقتصاد متمرکزی که داشته‌ایم بر خلاف جریان طبیعی اقتصاد جهانی شنا کرده‌ایم. و حالا که می‌خواهیم، حرکتی معکوس گذشته داشته باشیم حالا که می‌خواهیم به بخش خصوصی بگوییم یا در صنعت یا کشاورزی یا سایر رشته‌های تولیدی سرمایه‌گذاری کن، باید از ابعاد حقوقی، قضایی و سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ارزشی قضیه تجدید نظر کنیم.

کمی فکر کنیم، در گذشته در آن زمانی که سرمایه در این مملکت ضد ارزش شناخته شده بود، اگر می‌خواستند سرمایه‌دار را به عنوان یک انسان خوب، نوی کارهای تبلیغاتی خودشان نشان بدهند، چگونه نشان می‌دادند؟ در اصطلاح، آن روزها سرمایه‌دار یک مغفلوک

## قانون حفاظت چه می‌گوید؟

## اسامی اسرمایه‌گذار...

اسامی ۵۱ نفر افراد مشمول بند «الف» قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران که به تصویب جلسه مشترک وزرای بازرگانی، صنایع و معادن، سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان شورای انقلاب اسلامی رسیده است دیلا اعلام می‌شود.

... قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران در دو ماده اعلام می‌گردد:  
ماده ۱- الف ..... ب .....

ب - صنایع و معادن بزرگی که صاحبان آن از طریق روابط غیر قانونی با رژیم گذشته، استفاده نامشروع از امکانات و تصحیح حقوق عمومی به ثروت‌های کلان دست یافته‌اند و برخی از آنها از کشور متواری هستند و دولت طبق لایحه قانونی شماره ۶۷۳۸ مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۹ مدیریت آنها را در اختیار گرفته است. سهام اینگونه اشخاص به تملک دولت در می‌آید. هرگونه رسیدگی مالی و فنی و حقوقی نسبت به اینگونه اشخاص در اختیار دولت خواهد بود.

تبصره: بهای سهامی که طبق فرمان امام متعلق به بنیاد مستضعفان می‌شود، پس از ارزیابی در صورتی که مازاد بر دیون به دولت باشد، از طرف دولت به این بنیاد پرداخت می‌گردد.

ج - کارخانجات و مؤسساتی که وام‌های قابل توجه برای احداث یا توسعه از بانکها دریافت داشته‌اند، در صورتی که کل بدهی آنها از دارایی خالص آنان بالاتر باشد متعلق به دولت است و بقیه بدهی ایشان به عنوان طلب دولت و مردم به هر صورت که مقتضی باشد وصول خواهد شد. در صورتی که دارایی این واحدها بیشتر از مطالبات بانکها و مردم باشد، دولت به سمت مالک بانکها و نسبت به مطالبات خود و مردم در مالکیت آن واحد سهم می‌شود.

د - کارخانجات و مؤسسات تولیدی که متعلق به بخش خصوصی بوده و وضع مالی و اقتصادی مساعدی دارند و مشمول بند ب ماده ۱ نباشند براساس قبول اصل مالکیت مشروع مشروط، مالکیت آنها از طرف دولت به رسمیت شناخته می‌شود و مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرد.

تبصره: بدهی‌ها، وثیقه‌ها و تضمین‌هایی که مالکین و مدیران مؤسسات مورد بحث در قبال وام بانکها داشته و سیرده‌اند به فوت خود باقی است و مطالبه خواهد شد.

۱- جعفر اخوان	۲۷- عبدالحمید اخوان کاشانی
۲- حبیب ثابت	۲۸- علی شکرچیان
۳- گروه فرمانفرمایان (خانواده)	۲۹- رضا شکرچیان
۴- علی رضایی	۳۰- ابراهیم فرین‌زاد
۵- محمود رضایی	۳۱- عبدالمجید اعلم
۶- مراد ازیه	۳۲- مهدی میراشرافی
۷- رسول وهابزاده	۳۳- مهدی هرندی
۸- احمد خیابانی	۳۴- سعید هدایت
۹- محمود خیابانی	۳۵- محمد ابونصر عصفی
۱۰- منصور یاسینی	۳۶- برادران حمید حضور
۱۱- محمدرحیم ابروانی منتهی	۳۷- حسن هزانی
۱۲- محمد نفی برخوردار	۳۸- مرتضی رحیم‌زاده خوئی
۱۳- اکبر لاجوردیان	۳۹- عبدالحمید قدیمی نوائی
۱۴- قاسم لاجوردی	۴۰- عبدالمجید قدیمی نوائی
۱۵- احمد لاجوردی	۴۱- مهدی بوشهری
۱۶- سید محمود لاجوردی	۴۲- مراد پناه پور
۱۷- حبیب لاجوردی	۴۳- علینقی اسدی
۱۸- علی اصغر بیروی	۴۴- طاهر ضیایی
۱۹- محمدعلی مهدوی	۴۵- علی حاج طرخانی
۲۰- خسرو ابتهاج	۴۶- عنایت بهبهانی و برادر
۲۱- آذر ابتهاج	۴۷- کاظم خسروشاهی
۲۲- ابوالحسن ابتهاج	۴۸- محمد خسروشاهی
۲۳- حسین دانشور	۴۹- برادران فولادی
۲۴- علینقی عالیخانی	۵۰- مهدی نمازی
۲۵- مرتضی رستگار جواهری	۵۱- اسدالله رشیدیان
۲۶- رضا رستگار اصفهانی	